

«منشور اصول اساسی وکلای اروپایی»

و

«قانون اخلاق حرفه ای وکلای اروپایی»

ترجمه و تحقیق: وکیل سیاوش علیزاده

مقدمه

مهم ترین هدف شورای کانون های وکلای اروپا (CCBE) برعهده گرفتن وظیفه نمایندگی کانون های وکلای عضوی است که به صورت قطعی و دائمی (خواه از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا منطقه اقتصادی اروپا یا کنفدراسیون سوئیس باشد) یا به عنوان عضو وابسته یا به صورت ناظر دارای اشتراک منافع مربوط به فعالیت های وکالتی، احترام به حاکمیت قانون و حسن اجرای عدالت و هم چنین پیشرفت های مهم حقوقی در سطح اروپا و جهان می باشند. بدین منظور این شورا را می توان ارگان رسمی نمایندگی کننده کانون هایی دانست که جمعاً حدود یک میلیون وکیل اروپایی را شامل می شوند.

شورای کانون های وکلای اروپا، دارای دو متن قانونی مؤسس است که هرچند دارای ماهیت کاملاً متفاوت می باشد، اما یکدیگر را همپوشانی می کنند و مکمل هم هستند. جدیدترین متن قانونی، منشور اصول اساسی وکلای اروپایی است که به اتفاق آراء در جلسه عمومی بروکسل مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۶ به تصویب رسید. باید اشاره نمود این منشور به عنوان قانون اخلاق حرفه ای وکلا طرح نگردید و ماهیتی کاملاً متفاوت با آن دارد.

منشور حاضر در تمام اروپا، فراسوی مرزهای دول عضو پیوسته یا غیروابسته و ناظر لازم الاجرا می باشد. این متن، ده اصل بنیادین مبین اصول پایه و مشترک در تمامی قواعد ملی و بین المللی، که بر فعالیت های حرفه ای وکیل حکومت دارد را معرفی نموده است. منشور مذکور در درجه اول برای مساعدت به کانون هایی در نظر گرفته شده که در حال مبارزه و تلاش برای شناساندن استقلال خود می باشند. هدف دیگر آن ارتقای درک اهمیت نقش وکیل در جامعه است. می توان گفت این منشور تمامی وکلا، سیاست گذاران و جامعه را خطاب قرار می دهد.

متن مؤسس دیگر، قانون اخلاق حرفه ای وکلای اروپا است و به نوبه خود در ۲۸ اکتبر سال ۱۹۸۸ تصویب گردیده است. این قانون سه بار دست خوش تحول گردید که آخرین بار در مجمع عمومی پورتو مورخ ۱۹ می سال ۲۰۰۶ بود. بدین ترتیب متنی الزام آور برای تمام دول اروپایی پایه عرصه گذاشت. کلیه وکلای عضو کانون های وکلای این کشورها ملزم به رعایت این قانون در فعالیت های خارج از مرز خود در داخل اتحادیه اروپا و منطقه اقتصادی اروپا و کنفدراسیون سوئیس و کشورهای عضو وابسته و ناظر خواهند بود. در نهایت باید گفت این دو متن قانونی قابل جمع هستند. متن اول بیان دیدگاه ها و دومی متنی توضیحی است. مجموع این دو متن، پایه و اساس رفتار حرفه ای وکالت در اروپا و شکل



مجموع ارزشهای برشمرده در این دو متن نمی باشد.

منشور اصول اساسی وکیل اروپایی

«در جامعه ای بنا شده بر پایه عدالت، وکیل نقش ویژه ای برعهده دارد. رسالت وکیل تنها در اجرای شرافت مندانه حدود و کالت در چارچوب قانون محدود نمی شود. وکیل باید حافظ و نگهبان رعایت قوانین و تضمین کننده منافع و صرفه کسانی باشد که از حقوق و آزادی شان دفاع می کنند. از وظایف وکیل نه تنها جانب داری و دفاع از مصالح و منافع موکل بلکه ایفای نقش مشاور نیز از جمله وظایف اولیه وی می باشد. احترام به رسالت وکیل شرط ذاتی و اساسی حاکمیت قانون و یک جامعه دموکراتیک است.»

"قانون اخلاق حرفه ای وکلای اروپا، شورای کانونهای وکلای اروپایی اصل ۱۰۱"



اصول بنیادینی وجود دارد که تبیین کننده روش های اندکی متفاوت در نظام های قضائی مختلف هستند که بین وکلای اروپایی یکسان است. این اصول اساسی ساختار قوانین متفاوت ملی و بین المللی را تشکیل می دهد که بر اخلاق حرفه ای وکلا حکومت دارد. وکلای اروپایی کاملاً مطیع اصولی هستند که موجبات حسن اجرای عدالت، دسترسی به عدالت و قانون، دادرسی منصفانه را چنان که قرارداد اروپایی حقوق بشر خواستار آن است، فراهم می آورد. به سبب منافع عمومی، تمامی کانون های وکلا، دادگاه ها، مقننین، دولت ها و سازمان های بین المللی می باید حافظ و مجری این اصول اساسی باشند.

اصول ذاتی حرفه وکلا به این شرح است:

الف) استقلال و آزادی کامل و تضمین شده برای دفاع از موکل

ب) احترام به اسرار حرفه ای و محرمانه بودن اموری که به عهده دارد.

پ) وقوف و جلوگیری از به وجود آمدن تعارض در منافع موکلین و به همین شکل بین وکیل موکل

ت) حفظ شرافت، شأن و منزلت و پیروی دقیق از اصول

ث) وفاداری و امانت نسبت به موکل

ج) حفظ نزاکت و انعطاف درخصوص حق الوکاله

چ) مهارت و شایستگی حرفه ای

ح) حفظ احترام همکاران

خ) اجرای دقیق قواعد حقوقی و مشارکت در روند متعالی عدالت

د) خودگردانی و استقلال تقنینی

۱. در ۲۵ نوامبر سال ۲۰۰۶، شورای کانون های وکلای اروپایی منشور اصول اساسی وکلای اروپایی را به اتفاق آرا به تصویب رساند. این منشور شامل یک فهرست ده گانه از اصول مشترک حرفه ای وکلای اروپاست. احترام و رعایت این اصول بنیان حق دفاع است و سنگ بنای دیگر حقوق بنیادین یک مردم سالاری می باشد.

۲. این اصول بنیادین به مثابه مخرج مشترک تمامی قواعد ملی و بین المللی است که بر اصول



اخلاق حرفه ای وکلای اروپا حاکمیت دارد.

۳. منشور شامل این موارد می شود:

* قواعد حرفه ای داخلی دول اروپا، از جمله کشورهایی که عضو شورای قانون های وکلای اروپا نیستند اما در اصول مشترک وکلای اروپا هم رأی هستند.

* قانون اخلاق حرفه ای وکلای اروپا، مصوب شورای قانون های وکلای اروپا.

* اصول عمومی قانون بین المللی اخلاق حرفه ای، مصوب قانون بین المللی وکلا (آی. بی. ای)

* توصیه نامه شماره (۲۰۰۰) ۲۱ کمیته وزرای اتحادیه اروپا برای کشورهای عضو در مورد آزادی فعالیت های حرفه ای وکلا، مورخ ۲۵ اکتبر ۲۰۰۰

* اصول اولیه نقش قانون های وکلا، مصوب هشتمین کنگره ایالات متحده آمریکا برای جلوگیری از جرم و رفتار با مجرمین در هاوانا- کوبا از ۲۷ اوت تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰

* آئین دادرسی دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگستری اتحادیه اروپا و خصوصاً مصوبه ۱۹ فوریه سال ۲۰۰۲ دادگستری اتحادیه اروپا در خصوص Wouters C. Algemeen Raad (van de Nederlandse orde van Advocaten (C-309/90

* اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا

* قطعنامه پارلمان اروپا درخصوص مشاغل قضایی و نفع عمومی مربوط به عمل کرد سیستم قضایی، مصوب ۲۳ مارس ۲۰۰۶

۴. منشور به عنوان سندی تماماً اروپایی در نظر گرفته شده که کاربرد آن فرای اعضای پیوسته و اعضا وابسته و ناظرین قرار می گیرد. هدف ویژه منشور یاری رساندن به قانون هایی است که در جهت شناساندن استقلال خود در کشورهای دموکراتیک تازه سر برآورده در حال نبرد می باشند.

۵. نگاه منشور در جهت اعتلای درک وکلا، تصمیم سازان و جامعه از اهمیت نقش وکیل در اجتماع و روش هایی است که چنین نقشی را تقویت می کند.

۶. وکیلی که برای احقاق حق یک شهروند، یک شرکت یا دولت وارد می شود رسالت مشورت دادن و نمایندگی کردن وفادارانه موکل و عمل نمودن به مانند یک متخصص را دارد. کنشگری است مستقل در جهت حسن اجرای عدالت. با تجمیع تمامی این جنبه ها، وکیلی که در خدمت منافع موکلش و حافظ حقوق اوست، تضمین کننده کارکردی اجتماعی است که همانا جلوگیری از تعارضات و تلاش جهت حل و فصل آن ها مطابق قوانین حقوقی، تسهیل پیشرفت حقوق و دفاع از آزادی، عدالت و حاکمیت قانون خواهد بود.

۷. شورای قانون های وکلای اروپا امیدوار است که محاکم و دادگاه ها، قانون گذاران و دولت مردان و سازمان های فراملی، همت خود را همراه قانون های وکلا برای مراعات،



اجرا و پاسبانی از این اصول بنیادین به کار گیرند.

۸. منشور پیش روی با بخشی از مقدمه قانون اخلاق حرفه ای آغاز می شود که مصراغه بیان می دارد «احترام به رسالت و کیل شرط اولیه حاکمیت قانون و یک جامعه دموکراتیک است». حاکمیت قانون مفهومی است کاملاً وابسته به مردم سالاری که امروزه در اروپا سراغ داریم. ۹. پاراگراف مقدماتی منشور اعلام می کند که اصول منشور، برای دستیابی به سیستم قضایی شایسته، برای دسترسی به عدل و برای حق داشتن دادرسی در خور، الزامی است؛ همان گونه که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر عنوان می دارد، و کلا و کانون های ایشان به دفاع فعال از این قواعد حقوقی ادامه می دهند چه در کشورهای نوظهور اروپایی و چه در دموکراسی های کاملاً مستقری که این حقوق مورد تهدید قرار گیرند.

اصل اول: استقلال و آزادی برای دفاع و مشاوره با موکل

وکیل باید از نظر سیاسی، اقتصادی، معنوی در ایفای وظایف و رسالت و کالتی و نمایندگی موکلش آزاد باشد. و این بدین معناست که وکیل می باید از دولت و منشع قدرت مانند نهادهای قدر قدرت اقتصادی به دور و مستقل باشد. استقلالش را در پی فشارهای ناروای شرکای تجاری به خطر نیاندازد. به همین شکل، وکیل باید در مقابل موکل نیز مستقل بماند. در حقیقت، بدون استقلال در مقابل موکل، تضمینی بابت کیفیت کاری وکیل وجود نخواهد داشت. شرایط عضویت در یک حرفه آزاد و قدرت برتر ناشی از این وضعیت در حفظ استقلال یاری می رساند و کانونهای وکلا باید نقش به سزایی در راه حفظ و تأمین این استقلال بازی کنند. تنظیم و تنسيق امور و قواعد توسط خود حرفه جهت تأمین این استقلال حیاتی است.

بدیهی است که در جوامع غیر آزاد و کلا ضمانت دفاع تمام عیار از موکل خود را ندارند و در این راه شاید با طعم زندان و مرگ نیز آشنا گردند.

اصل دوم: حفظ اسرار حرفه ای و جنبه محرمانه اموری که به عهده دارند

از جمله اصول اولیه و اساسی حرفه و کالت، مورد اعتماد بودن از طرف موکل است. مراجعه کننده، اطلاعات و اسرار محرمانه ای را که عموماً به دیگری منتقل نمی کند، در اختیار وکیل قرار می دهد. اطلاعاتی از نوع کاملاً شخصی یا اسرار تجاری با ارزش که بر پایه اطمینان دریافت می گردند. بدون یقین کامل از حفظ اسرار هیچ اعتمادی شکل نمی گیرد. منشور، ماهیت دوگانه این امر را بازنمایی می کند. حفظ اسرار، یگانه وظیفه وکیل نیست بلکه حق غیر قابل گذشت و اساسی موکل نیز می باشد. قواعد مربوط به اسرار حرفه ای استفاده از مکاتبات و روابط بین وکیل و موکل را بر علیه موکل قدغن نموده. در برخی نظامهای قضایی، تنها موکل است که از حق حفظ حریم مسایل خصوصی بهره مند می شود. در حالیکه در دیگر نظامها بر عهده وکیل است که ارتباطات محرمانه وکیل طرف مقابل را نیز از موکل خود پنهان دارد. التزام به حفظ اسرار در قبال موکل حتی تا پس از اینکه وکیل به نام موکل فعالیت می کند ادامه خواهد داشت.

اصل سوم: وقوف و جلوگیری از بوجود آمدن تعارض در منافع موکلین و همینطور بین موکل و شخص وکیل

برای انجام فعالیت حرفه ای خالی از سوء تفاهم و سرزنش، وکیل باید از وجود هرگونه تعارض در منافع اجتناب کند. بنابراین، وکیل نمی تواند برای دو موکل در یک پرونده اعلام وکالت نماید هنگامیکه میان آن دو تعارض منافع یا احتمال بروز آن وجود داشته باشد. به همین ترتیب، جایز نیست وکالت فرد جدیدی را عهده دار گردد که اطلاعات محرمانه موکل دیگرش را -چه موکل فعلی و چه پیشین- در اختیار دارد. هم چنین، جایز نیست وکالت شخصی را به عهده گیرد که با او تعارض منافی دارد و اگر این تضاد در جریان نمایندگی اش از موکل بوجود آید باید بلافاصله به رابطه وکالتی اش با شخص اخیر پایان دهد. این اصل ارتباط تنگاتنگی با اصل حفظ اسرار موکل، استقلال و امانت حرفه ای دارد.

اصل چهارم: حفظ شرافت، شأن و منزلت و پیروی از اصول

برای انجام فعالیت های حرفه ای شایسته، وکیل باید پاسخ اعتماد موکل را با صداقت از خود بروز دهد. و این تنها با به عهده گیری امور وکالتی به نحو شرافت مندانانه و غرور آمیز صورت خواهد گرفت. مسئله تنها انجام فعلی که شهرت کاری وی را به خطر اندازد نیست بلکه مسئله، اجتماع آبرومند و کلا و اعتماد جامعه نسبت به این حرفه است. این بدان معنا نیست که وکیل باید از هر جهت کامل و بی عیب باشد، اما انتظار می رود رفتاری شایسته و محترم داشته باشد چه در انجام امور حرفه ای و چه در زندگی خصوصی که در غیر این صورت می تواند موجب لطمه به شهرت حرفه ای او باشد. رفتار مخالف با شأن و احترام حرفه وکالت می تواند منجر به توبیخ انتظامی که در شدیدترین نوع ممنوعیت از فعالیت است گردد.

اصل پنجم: امانت در قبال موکل

این اصل، اساسی ترین وظیفه وکیل است. موکل باید بتواند وکیل خود را در امر مشورت گرفتن و نمایندگی از خود معتمد و امین بداند. در نتیجه وکیل باید اولاً استقلال خود را حفظ کند ثانیاً از بروز تعارض منافع اجتناب ورزد و در آخر اسرار موکلش را محفوظ دارد. برخی از حساس ترین جنبه های قواعد اخلاق حرفه ای، از تعامل میان اصول حفظ امانت و اصول شرافت حرفه ای، منزلت و حفظ اصول همکاری و خصوصاً مراعات قوانین موضوعه و سهیم بودن در روند شایسته عدالت برمیاید.

در قالب این امور، وکیل باید موکل خود را از این مهم واقف نماید که نمی تواند وظایف حرفه ای خود را در برابر دادگاه و محاکم عالی کوچک و حقیر نماید تا وکالت از پرونده غیرصادقانه و واهی وی را به عهده بگیرد.

اصل ششم: حفظ نزاکت و انعطاف در خصوص حق الوکاله

حق الوکاله و دیگر دریافت های وکیل از موکل باید کاملاً برای موکل روشن و خالی از ابهام



باشد. با توجه به معیارهای قانونی و قواعد حرفه ای وکالت، میزانی منطقی و متعارف داشته باشد. همانطور که قوانین مربوط به حرفه وکالت (و اصل سوم منشور) اهمیت اجتناب از بروز تعارض منافع را فیما بین وکیل و موکل به وضوح روشن نموده، مسئله حق الوکاله نیز موضوعی خطرناک است. بنابراین، این اصل حاکی از نیاز مبرم وجود قواعد حرفه ای برای جلوگیری از اخذ مبالغ گزاف از موکل است.

اصل هفتم: مهارت و تخصص حرفه ای

واضح است که وکیل برای پیشبرد رسالت حرفه ای و موفقیت در امر مشاوره و دفاع از موکل باید از تخصص و مهارت حرفه ای شایسته ای بهره مند باشد. قواعد حرفه ای به وضوح بیان می دارند که وکیل نباید پرونده ای را به عهده بگیرد مگر برای به ثمر رساندن آن مهارت کافی را داشته باشد.

اصل هشتم: مراعات رابطه همکاری

این اصل معرف اهمیت نزاکت، اخلاق و رفتار سنجیده است که وکلای طرفین دعوی در مقام دفاع از وکلین شان در موضوعات متنازع فیه با آن برخورد می کنند. این اصل با نقش وکیل به عنوان واسطه ای که باید اطمینان بیان حقایق را به آن داشته باشیم در ارتباط کامل است. اجرای مطلوب عدالت می طلبد که وکیل جهت فیصله امر مورد نزاع به روشی متمدنانه، حسن نیت خود را به طرف مقابل ثابت نماید. به همین شکل، به نفع عموم است که وکیل شجاعانه عمل کند و طرف مقابل را به اشتباه نیندازد. احترام متقابل میان همکاران روند دادرسی عادلانه را سهولت می بخشد و در منتهی شدن تعارضات به یک توافق و حصول منافع موکل مؤثر است.

اصل نهم: احترام به حاکمیت قانون و سهیم بودن در حسن اجرای عدالت

یک بخش از رسالت وکیل را به عنوان کششگر در روند عادلانه دادرسی توصیف کردیم. با نگاهی دیگر می توان وکیل را به شکل یک "اندامواره" یا "بازوی عدالت" توصیف کرد. یک وکیل هرگز نباید با سوء نیت دادگاه را با اطلاعات نادرست یا منتج به اشتباه گمراه نماید. از طرف دیگر نباید به اشخاص ثالث در قالب فعالیت حرفه ای سخنی جز حقیقت بگوید. هرچند این ممنوعیت ها غالباً مانع حصول موکل به منافع فوری می گردد، اما رفع تعارض میان منافع موکل و عدالت از جمله مشکلاتی است که انتظار می رود توسط وکیل صورت گیرد. در واقع، وکیل نمی تواند موکلش را با موفقیت به ساحل امن برساند مگر اینکه قبل از آن، محاکم و اشخاص ثالث وی را به عنوان بازیگری در روند دادرسی عادلانه دارای نقش بدانند و بتوانند به وی اعتماد کنند.

اصل دهم: خود گردانی و استقلال تقنینی

از معایب جامعه غیر دموکراتیک این است که دولت، چه به صورت آشکار و چه به شکلی پنهانی، فعالیت ها و حرفه وکالت را تحت کنترل داشته باشد. اساساً دو روش برای تبیین قوانین حرفه ای ممکن است: قانونگذاری توسط حکومت و استقلال وضع قواعد توسط خود حرف.

در برخی موارد، دولت با رسمیت بخشیدن به اصول بنیادین برای حمایت از آن حرفه قانونگذاری می‌کند. برای مثال، جهت فراهم آوردن پشتوانه قانونی برای اصل حفظ اسرار حرفه ای و یا با اعطای قدرت قانونی به کانونها جهت انشای قواعد حرفه ای. شورای کانونهای وکلای اروپا معتقد است تنها یک "خود نظام مندی" تمام عیار و کامل، ضامن استقلال حرفه ای وکلای در مقابل حکومت خواهد بود. بدون تضمین استقلال، وکلا توان انجام رسالت حرفه ای و حقوقی خود را نخواهند داشت.

قانون اخلاق حرفه ای وکلای اروپایی

قانون اخلاق حرفه ای وکلای اروپایی در مجمع عمومی کانونهای وکلای اروپا در ۲۸ اکتبر سال ۱۹۸۸ به تصویب رسید و در مجمع عمومی ۲۸ نوامبر ۱۹۹۸ و ۶ دسامبر ۲۰۰۲ و ۱۹ می ۲۰۰۶ دچار تغییراتی شد. این قانون به نوبه خود شامل تغییرات متخذه در قانون شورای کانونهای وکلای اروپا مصوب در مجمع عمومی فوق العاده ۲۰ اوت سال ۲۰۰۷ می‌گردد.

۱-۰ دیباچه

۱-۱ رسالت وکیل

در جامعه ای بنا شده بر پایه احترام به عدالت، وکیل نقشی ممتاز و برجسته را بازی می‌کند. وظیفه یک وکیل نه تنها اجرای وفادارانه حدود وکالت در چارچوب قانون بلکه حافظ و پاسدار احترام به قوانین و ضامن غبطه و منافع کسانی است که از حقوق و آزادی شان دفاع می‌کند. از وظایف وکیل علاوه بر جانب داری و دفاع از مصالح و منافع موکل ایفای نقش مشاور نیز می‌باشد. احترام به رسالت وکیل شرط ذاتی و اساسی جامعه قانون مدار و دموکراتیک است.

رسالت حرفه ای وکیل با وظایف و تعهداتی چندگانه که بعضاً چهره ای متناقض دارد، احترام به موارد ذیل را بر شانه اش بار می‌کند:

* موکل

* دادگاهها و محاکم عالی و دیگر مقاماتی که وکیل نزد آنها به نمایندگی از موکل مراجعه می‌کند.

* حرفه اش در مفهومی عام و هریک از همکاران در مفهومی خاص

* جامعه؛ که برایش یک حرفه آزاد و مستقل، با رعایت کامل قواعدی که خود وضع نموده، وسیله ای کلیدی است برای حفظ حقوق بشر در مقابل قدرت حاکمه و دیگر قدرتهای اجتماعی.

۱-۲ ماهیت قواعد اخلاق حرفه ای

۱-۲-۱ - قواعد اخلاق حرفه ای جهت تضمین اجرای شایسته وظایف وکالتی توسط وکیل پیش بینی شده. رسالتی که به عنوان نیاز اساسی تمام جامعه بشریت شناخته شده و عدم رعایت این قواعد توسط وکیل موجبات توبیخ انتظامی را فراهم می‌آورد.



۲.۲.۱ - هر کانونی با توجه به رویه خاص خود دارای قواعد ویژه ای است و سازمان و حوزه عملیات این قواعد در کشور عضو مورد نظر تصویب خواهد شد. همانطور که آئین دادرسی قضایی و اداری و قوانین ملی آنها به همین شکل تصویب می شود، نه امکانپذیر است و نه مطلوب که آنها را از ریشه جدا نموده یا سعی در عمومیت بخشیدن به این قواعد غیرقابل پذیرش کرد. قواعد ویژه هر کانون در هر حال به یک ارزش باز می گردد و در اکثر قریب به اتفاق موارد دارای بُنمایه ای واحد است.

۳.۱ - هدف قانون اخلاق حرفه ای

۱.۳.۱ - تأسیس و استقرار تدریجی اتحادیه اروپا و منطقه اقتصادی اروپا و افزایش فعالیت های بین مرزی و کلا در داخل منطقه اقتصادی اروپا، اهمیت به دست دادن تعریفی از قواعد واحد و یکسان لازم الرعایه برای تمام وکلای منطقه اقتصادی اروپا را روشن ساخت. تعریف چنین قواعدی، اساساً به هدف فروکاستن مشکلات به وجود آمده از به کارگیری یک قانون اخلاق حرفه ای دوگانه چنانچه در اصل ۴ و ۷ در دستور العمل شماره CEE/۲۴۹/۷۷ و اصل ۶ و ۷ دستور العمل شماره CE/۵/۹۸ بیان شده به کار می آید.

۲.۳.۱ - سازمانهای متولی حرفه وکالت گرد آمده در دل شورای کانونهای وکلای اروپا انتظار دارند که قوانین تدوینی موارد ذیل را مورد توجه قرار دهند:

- * مورد اجماع تمامی کانونهای وکلای اروپا و منطقه اقتصادی اروپا باشد.
- * در کوتاهترین زمان، مطابق رویه ملی یا منطقه اقتصادی اروپا بر تمامی فعالیت های فرامرزی وکلای منطقه اقتصادی و اتحادیه اروپا قابلیت اجرا یابد.
- * هرگونه اصلاحی در قوانین اخلاق حرفه ای داخلی بر اساس حفظ هماهنگی با این قوانین تصویب شده صورت گیرد.

هم چنین امیدوارند که در حد امکان، قوانین داخلی اخلاق حرفه ای مطابق با این قوانین تصویب، تفسیر و به اجرا در آیند. تا زمانیکه قوانین مورد بحث در مورد فعالیت های برون مرزی وکلا به صورت لازم الاجرا در آیند، وکلا تا میزان مطابقت قوانین خود با قانون اخلاق حرفه ای مورد بحث مکلف به رعایت قوانین کانون وکلای مربوط به خود می باشند.

۴.۱ - محدوده اعمال به لحاظ شخص

قانون حاضر درخصوص وکلای موضوع دستور العمل CEE/۲۴۹/۷۷ و دستور العمل CE/۵/۹۸ و وکلای اعضای متحد و ناظر شورای کانونهای وکلای اروپا قابل اجرا می باشد.

۵.۱ - محدوده اعمال به لحاظ موضوع

بدون ایجاد خلل در فرآیند یکنواخت ساختن گام به گام قوانین اخلاق حرفه ای در داخل، قوانین حاضر در خصوص فعالیت های بین مرزی وکلا داخل اتحادیه اروپا و منطقه اقتصادی اروپا حاکمیت دارد. فعالیت بین مرزی به معنی:

- الف) تمامی ارتباطات حرفه ای با وکیلی از یک کشور عضو دیگر.
- ب) تمامی فعالیت های حرفه ای وکیل در یک کشور دیگر عضو، چه وکیل آنجا حضور

داشته باشد و چه حضور نداشته باشد.

۶.۱ - تعاریف

در قانون پیش روی:

«کشور عضو» کشور عضو اتحادیه اروپا یا هر کشور دیگری که حرفه وکالت در آن به اصل ۴۰۱ باز گردد.

«کشور عضو اصلی» کشوری عضوی که در آن وکیل حق استفاده از عنوان حرفه ای اش را بدست آورده.

«کشور عضو میزبان» تمامی کشورهای عضوی که وکیل در آنها فعالیت بین مرزی خود را انجام می دهد.

«مرجع صالح» جایی که سازمانهای حرفه ای یا مقامات دولتی عضو مربوطه صلاحیت اجرای قوانین اخلاق حرفه ای و نظارت بر رفتار و نظم حرفه ای وکیل را دارند.

«دستورالعمل شماره CEE/۲۴۹/۷۷» دستورالعمل شورا مورخ ۲۲ مارس ۱۹۷۷ در خصوص تسهیل انجام مؤثر وظیفه و ارائه آزاد خدمات وکالتی.

«دستورالعمل شماره CE/۵/۹۸» مربوط به پارلمان اروپا و شورا مورخ ۱۶ فوریه سال ۱۹۹۸ در خصوص تسهیل انجام امور حرفه ای دائمی در یک کشور عضو غیر از محل دریافت جواز فعالیت.

۱.۲ اصول عمومی

۱.۲ - استقلال

۱.۱.۲ - تعدد وظایف یک وکیل لزوم داشتن استقلال مطلق را به وی تحمیل می کند. استقلال تهی از هرگونه فشار خصوصاً آنچه از منافع شخصی یا نفوذ خارجی ایجاد می شود. این استقلال به همین ترتیب برای اعتماد به قانون و عدالت و بی طرفی قاضی لازم است. پس وکیل باید از صدمه دیدن استقلالش اجتناب ورزد و برای رضای خاطر موکلش یا قاضی یا اشخاص ثالث، در عمل به اصول اخلاق حرفه ای قصوری از خود نشان ندهد. راهکارهای حقوقی ارائه شده از طرف وکیل هیچ ارزشی ندارند اگر آنها را جز به خاطر رضایت قلبی و تنها به خاطر کسب منفعت یا بر پایه فشارهای اطراف طرح نموده باشد.

۲.۲ - اعتماد و صداقت اخلاقی

رابطه ای بر اساس اعتماد وجود نخواهند داشت مگر همراه با شرافت ذاتی، پاکدامنی و صداقت اخلاقی باشد. برای یک وکیل این فضائل سنتی، از جمله الزامات حرفه ای قلمداد می شود.

۳.۲ - اسرار حرفه ای

ماهیت حرفه وکالت اقتضا می کند یک وکیل مخزن اسرار موکل و دریافت کننده اطلاعات محرمانه وی باشد و این مهم می باید تضمین گردد. حفظ اسرار حرفه ای به این دلیل به عنوان حقوق و تکالیف بنیادین و ابتدائی وکیل شناسایی گردیده. وکیل می باید



حفاظت از تمامی اسرار محرمانه ای که به واسطه حرفه اش واقف می شود به عهده گیرد. این اجبار به حفظ اسرار محدود به بازه زمانی خاصی نیست و الی الابد ادامه می یابد. وکیل باید از اسرار به دست آمده در مقابل تک تک اعضای دفتری و تمامی افرادی که به نحوی در فعالیت حرفه ای با او در ارتباط و همکاری است محافظت نماید.

۴.۲ - مراعات قوانین اخلاق حرفه ای کانون های دیگر

وکیل می باید در حین انجام فعالیت حرفه ای در کشور عضو میزبان به واسطه فعالیت خارج از مرز به قواعد و اصول اخلاق حرفه ای آن کشور احترام گذاشته و به آن پایبند باشد. از جمله وظایف او اطلاع یافتن از اصول اخلاق حرفه ای است که وی، در زمینه فعالیت خاص خود ملزم به مراعات است. اعضای شورای کانونهای وکلای اروپا موظفند قانون اصول اخلاق حرفه ای خود را جهت استفاده تمام وکلا، به دبیرخانه شورا بپارند.

۵.۲ - ممنوعیت های حرفه ای

۱.۵.۲ - برای اطمینان از این مهم که وکیل همراه با استقلال لازم و منطبق با وظیفه خود در روند دادرسی عادلانه در حرکت است و به فعالیت حرفه ای می پردازد، انجام برخی مشاغل و حرف برای وی ممنوع است.

۲.۵.۲ - وکیلی که وظیفه نمایندگی یا دفاع از موکل را مقابل دادگاه یا دیگر مقامات عمومی یک کشور عضو میزبان به عهده دارد، باید قواعد مربوط به ممنوعیت ها و تعارضات حرفه ای مربوط به آن کشور که مورد رعایت وکلای آن کشور است در نظر داشته باشد.

۳.۵.۲ - وکیلی که در کشوری میزبان مستقر شده و خواستار انجام فعالیت های تجاری و یا فعالیتی متفاوت از حرفه وکالتی است نیز می باید قواعد مربوط به ممنوعیت های شغلی آن کشور را همانگونه که وکلای آن کشور رعایت می کنند محترم شمارد.

۶.۲ - تبلیغات شخصی

۱.۶.۲ - وکیل مجاز است در مورد خدماتی که ارائه می کند اقدام به تبلیغ نماید. مشروط به اینکه اطلاعات اظهار شده معتبر و مقرون به صحت و حافظ جوانب مربوط به اسرار حرفه ای و دیگر اصول اساسی حرفه وکالت باشد.

۲.۶.۲ - تبلیغ شخصی توسط وکیل چه توسط رسانه ها باشد چه مطبوعات، رادیو، تلویزیون، تبلیغات تجاری الکترونیکی یا به هر وسیله دیگر مجاز می باشد تا میزانی که منطبق یا حاوی اصول مندرج در اصل ۱.۶.۲ باشد.

۷.۲ - نفع و صرفه موکل

ضمن مراعات سخت گیرانه قواعد حقوقی و اخلاق حرفه ای، وکیل موظف به دفاع همیشگی به بهترین وجه ممکن از موکل خود می باشد. حتی در خصوص منافع

شخصی خود یا همکارانش.

۸.۲ - حدود مسئولیت وکیل در قبال موکل

وکیل با توجه به قواعد موضوعه کشور عضو اصلی و قواعد موضوعه کشور میزبان می تواند مسئولیت های خود در قبال موکل را مطابق قواعد حرفه ای که حاکم است محدود نماید.

۳ - در روابط با موکلین

۱.۳ - آغاز و خاتمه روابط با موکل

۱.۱.۳ - وکیل به مجرد توکیل از جانب موکل آغاز به فعالیت می نماید. همچنان وکیل می تواند به وسیله وکیل دیگری که نمایندگی از شخصی را به عهده دارد، به کار گرفته شود. یا توسط مرجع صالحی به امر وکالت انتخاب گردد.

زمانیکه شرایط ویژه ای آشکار سازد که هویت، صلاحیت و اختیارات ارائه شده مشکوک و مردد است، وکیل باید به روشی منطقی و در حد متعارف در شناخت هویت، صلاحیت و اختیارات شخص یا مرجعی که او را وکیل می نماید تلاش نماید.

۲.۱.۳ - وکیل بدون فوت وقت، آگاهانه و همراه با اشتیاق با چاشنی دقت به موکل مشاوره می دهد و از وی دفاع می نماید. وکیل شخصاً مسئولیت مأموریتی که قبول نموده را برعهده می گیرد و موکلش را در جریان پیشرفت امری که ملزم گردیده قرار می دهد.

۳.۱.۳ - وکیل اگر بداند یا دریابد که از عهده انجام رساندن پرونده ای بر نمی آید آنرا قبول نمی کند، و یا لااقل آنرا در معیت وکیلی که دارای توانایی انجام چنان امری باشد می پذیرد. وکیل اگر با توجه به دیگر وظایف و تعهدات، توانایی اخذ پرونده جدید را نداشته باشد و نتواند سریعاً آن را به جریان اندازد، نباید آنرا بپذیرد.

۴.۱.۳ - وکیل نمی تواند از حق استعفا خود در زمانی استفاده کند که موکل در این مدت نتواند برای هدایت پرونده اش مشاور حقوقی دیگری بیابد.

۲.۳ - تعارض منافع

۱.۲.۳ - وکیل نمی تواند مشاور، نماینده یا مدافع بیشتر از یک طرف در یک دعوی خاص باشد، زمانیکه بین منافع این اطراف تعارضی باشد یا احتمال جدی بروز این وضعیت وجود داشته باشد.

۲.۲.۳ - وکیل باید از عهده گرفتن پرونده دو یا تمام اشخاص متأثر از یک امر خودداری کند. و قتیکه بین آنها تعارض منفعتی روی دهد یا زمانیکه احتمال نقض اسرار حرفه ای وجود آید و همچنین هنگامی که احتمال از بین رفتن استقلال کاملش باشد.

۳.۲.۳ - وکیل نباید وکالت شخص مراجعه کننده جدیدی را بپذیرد هنگامی که این عمل مستلزم نقض اسرار و اطلاعات موکل سابق باشد یا اطلاعات وکیل از پرونده موکل سابق، به شکل غیر قابل توجیهی موجب برتری موکل جدید گردد.

۴.۲.۳ - وقتی وکلا به صورت گروهی به فعالیت وکالتی می پردازند پاراگراف ۱.۲.۳ تا



۳.۲.۳ قابل اعمال به کل گروه و تک تک اعضاء گروه خواهد بود.

۳.۳ - قرارداد «Quota Litis»

۱.۳.۳ - وکیل نباید حق الوکاله خود را بر اساس قرارداد Quota Litis مشخص نماید.

۲.۳.۳ - قرارداد Quota Litis توافقی است فیما بین وکیل و موکل قبل از اتمام قطعی پرونده موکل که طی این قرارداد موکل متعهد می شود بخشی از محکوم به را پرداخت نماید که شامل مبلغی وجه نقد یا هر چیز ارزشمند دیگر می گردد.

۳.۳.۳ - این قرارداد شامل توافق بین وکیل و موکل در خصوص تعیین میزان حق الوکاله بر اساس ارزش دعوی که وکیل برعهده گرفته نمی شود اگر این میزان بر اساس تعرفه رسمی یا با جواز مقام صلاحیت دار وابسته به وکیل منطبق باشد.

۴.۳ - تعیین حق الوکاله

وکیل باید موکل خود را از تمامی آنچه به عنوان حق الوکاله درخواست می نماید مطلع سازد و میزان این وجه باید متعارف و موجه، منطبق بر موازین و قواعد اخلاق حرفه ای که وکیل را تحت سیطره دارد باشد.

۵.۳ - پیش پرداخت حق الوکاله و هزینه ها

پیش پرداخت درخواستی وکیل برای حق الوکاله یا هزینه ها نباید فراتر از یک برآورد منطقی و متعارف از هزینه ها و حق الوکاله و مخارج احتمالی ناشی از پرونده مورد نظر باشد. به واسطه عدم رعایت قرارداد پیش پرداخت وکیل حق دارد با در نظر گرفتن شرط مندرج در اصل ۴۰۱.۳ از عهده گرفتن پرونده منصرف شود یا در حین فعالیت استعفاء دهد.

۶.۳ - تقسیم کردن حق الوکاله با فردی که وکیل نیست

۱.۶.۳ - تقسیم کردن حق الوکاله توسط وکیل با شخصی که وکیل نیست ممنوع است. مگر در مواردی که یک شراکت مجاز بین وکیل و شخص اخیر مطابق قوانین و اصول اخلاق حرفه ای وجود داشته باشد.

۲.۶.۳ - اصل قبلی در مواردی که وکیل مبلغی را به وراثت یک همکار حرفه ای متوفی یا به یک همکار مستعفی که وکیل به عنوان جانشین وی نمایندگی می نماید، نمی گردد.

۷.۳ - هزینه اقامه دعوی و دسترسی به مشاوره حقوقی

۱.۷.۳ - وکیل باید برای یافتن راه حلی که از نظر مالی مقرون به صرفه باشد تلاش کند. باید در وقت مقتضی که موقعیت رسیدن به توافق است یا با توسل به روشهای جایگزین حل و فصل منازعه موکل را با مشاوره همراه سازد.

۲.۷.۳ - زمانیکه موکل نیازمند دریافت کمک و معاضدت حقوقی می باشد وکیل موظف به خاطر نشان کردن این مهم است.



۸.۳ - وجوه و حسابهای موکلین

۱۸.۳ - وکیلی که وجوه موکلین را به نام آن ها نگهداری می کند موظف است آنها را در یک حساب باز در یک بانک یا بنگاه اقتصادی تأیید شده و تحت نظارت مقامات ذیصلاح قرار دهد. این حسابها باید از وجوه شخصی وکیل کاملاً منفک باشد. تمام وجوه موکلین دریافتی توسط وکیل باید در چنین حسابی سپرده شوند مگر صاحب این حسابها موافقت نماید که آنها را به نحو دیگری اختصاص دهد.

۲۸.۳ - وکیل تمام سوابق و ریز عملیات بانکی صورت گرفته بر وجوه موکل را اخذ می کند و آنها را مجزا از دیگر وجوه دریافتی نگاه می دارد، این سوابق باید برای مدت زمان مشخص مطابق قوانین داخلی حفظ گردد.

۳۸.۳ - حسابهای بانکی یا بنگاه اقتصادی تأیید شده و تحت نظارت مقامات ذیصلاح هرگز مقروض نمی گردد مگر تحت شرایط خاص با اجازه صریح قوانین موضوعه داخلی یا دلایل بانکی که وکیل دخالتی در آن ندارد. این گونه حسابها هرگز به عنوان ضمانت یا رهن یا هر عنوان دیگر اختصاص نمی یابد. به این حسابها هیچگونه سودی تعلق نمی گیرد، از طرفی هیچگونه ادغام یا یکپارچگی بین حسابهای دیگر بانک با این نوع حسابها روی نمی دهد.

۹.۳ - بیمه مسئولیت حرفه ای

۱۹.۳ - وکیل باید مسئولیت مدنی حرفه ای خود را به میزان متعارفی در برابر طبیعت و خطرهای مهم احتمالی بیمه نماید.

۴. در ارتباط با محاکم و صاحبان مشاغل قضایی

۱.۴ - اخلاق حرفه ای و فعالیت قضایی

وکیلی که مقابل دادگاه و محاکم عالی حضور می یابد یا در جریان دادرسی شرکت می جوید باید قواعد و اصول اخلاق حرفه ای را در برابر این مراجع اعمال نماید.

۲.۴ - ماهیت ترافی دعاوی

وکیل باید تحت هر شرایطی ماهیت ترافی دعاوی را مدنظر قرار دهد.

۳.۴ - رعایت احترام قاضی

وکیل باید از موکل خود با آگاهی کامل و بدون ترس، بدون توجه به منافع شخصی در حالیکه احترام کامل و صداقت خود را به جایگاه قاضی نشان می دهد، دفاع نماید.

۴.۴ - اطلاعات نادرست یا گمراه کننده

یک وکیل هیچگاه نباید به صورت آگاهانه اطلاعات اشتباه یا با طبیعتی گمراه کننده در اختیار قاضی قرار دهد.

۵.۴ - حمایت از داوران و دیگر مشاغل مشابه

قواعد حاکم بر روابط وکیل و قاضی عیناً در رابطه وکیل با داوران و دیگر اشخاص فعال در حوزه مشاغل قضایی یا نیمه قضایی حتی به صورت غیر دایمی و موردی لازم الرعایه



۵. روابط مابین وکلا

۱.۵ - رابطه همکاری

۱.۱.۵ - رابطه همکاری، حس اعتماد متقابل وکلا را می طلبد که البته با حفظ حقوق و صرفه موکل و اجتناب از تطویل روند دادرسی همراه است. این رابطه نباید هرگز موجب بروز تضاد در منافع وکیل و ضدیت با صرفه و غبطه موکل گردد.

۲.۱.۵ - وکیل باید تمامی وکلای دول عضو شورا را همکار خود قلمداد کند و در مواجهه با آنان رفتاری برخواسته از رابطه همکاری و سزاوار داشته باشد.

۲.۵ - همکاری و معاونت بین وکلای دول عضو

۱.۲.۵ - از جمله وظایف تمامی وکلاست که در هنگام درخواست یک همکار از کشور عضوی دیگر در خصوص پرونده ای که توان انجام رساندن آن را ندارد، به یاری اش شتابند.

۲.۲.۵ - زمانیکه وکلایی از دو کشور مختلف عضو شورا با هم کار می کنند، هر دو باید تفاوت های موجود در سیستم های حقوقی و سازمان حرفه ای، صلاحیت ها و بایسته های حرفه ای کشور عضو متبوعشان را در نظر گیرند.

۳.۵ - مکاتبات بین وکلا

۱.۳.۵ - وکیلی که میل دارد با همکار دیگری در یک کشور عضو شورا مکاتبه داشته باشد و بخواهد که این ارتباط از ماهیتی محرمانه برخوردار باشد، می باید قبل از ارسال اولین مکتوب صریحاً این مطلب را خاطر نشان کند.

۲.۳.۵ - در صورتیکه گیرنده مکاتبات در وضعیتی نباشد که ماهیت محرمانه مرسولات را حفظ نماید، باید بدون فوت وقت این مهم را به فرستنده اعلام نماید.

۴.۵ - دستمزد بابت معرفی مراجعه کننده

۱.۴.۵ - وکیل نمی تواند بابت معرفی کردن ارباب رجوع یا سفارش کردن همکاری دیگر نه وجه یا پاداشی طلب کند و نه قبول کند. همچنین وکیل نمی تواند پاداش یا وجهی جهت معرفی موکل به احدی پرداخت نماید.

۵.۵ - ارتباط با طرف مقابل

وکیل نمی تواند ابتدا به ساکن وارد مذاکره مستقیم با طرف مقابل پرونده ای شود، زمانیکه مطلع است توسط وکیل دیگری نمایندگی یا یاری می شود. این محدودیت تا وقتی است که همکار مذکور موافقت خود را با این ارتباط اعلام کند.

۶.۵ - با تصمیم مجمع عمومی دویین مورخ ۶ دسامبر ۲۰۰۲ نسخ گردیده

۷.۵ - مسؤولیت مالی

در روابط حرفه ای میان وکلای عضو کانون های متفاوت، وکیلی که دیگری را برای امری معرفی می کند یا وی را داخل در پرونده ای می نماید، خود شخصاً به قرارداد

حق الوکاله و هزینه ها پایبند خواهد بود حتی در صورت عجز موکل از پرداخت موارد مورد تعهد. با این حال، وکلای مذکور می توانند در ابتدای ایجاد چنین رابطه ای، ترتیب خاصی در این مورد اتخاذ نمایند. از جمله اینکه، وکیل می تواند هر لحظه مسئولیت شخصی خود را نسبت به حق الوکاله، هزینه ها و پرداختهای تعهد شده، قبل از اینکه همکار خارجی را از تصمیم کاهش مسئولیت در آینده مطلع سازد، محدود نماید.

۸.۵ - به روز بودن

وکلای می باید معلومات و اطلاعات و مهارتهای حرفه ای خود را با در نظر داشتن استانداردهای اروپایی حرفه شان حفظ و بهبود بخشند.

۹.۵ - طرح دعوی به ظرفیت وکلای دیگر دول عضو

۱.۹.۵ - زمانیکه یک وکیل عقیده دارد همکاری از کشوری دیگر یک قاعده اخلاق حرفه را نقض کرده باید توجه وکیل مذکور را به این مهم جلب نماید.

۲.۹.۵ - زمانیکه یک اختلاف ناچیز شخصی با ماهیتی حرفه ای بین همکاران چند کشور عضو در گیرد ابتدا باید در جهت حل و فصل دوستانه آن تلاش شود.

۳.۹.۵ - قبل از آغاز هر اقدام قانونی علیه یک همکار از کشور دیگر عضو، به دلیل بروز اختلافات موجود در دو شماره قبل، وکیل باید هر دو کانون مرتبط را در جریان گذارد تا کانونهای مربوطه مجال اقدام در جهت فصل خصومت به روشی دوستانه را بیابند.

استناد به اصل ۴۰ قانون اساسی در دادنامه ی دادگاه عمومی (ویژه خانواده)

کنکاش یک پرونده کیفری: اصاله البرائه، جرم محال و...

احترام حق مالکیت / نازلی صدقی